

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۷

جلوه‌های تصاویر طلوع و غروب در خمسه امیر خسرو دهلوی

(ص ۲۰۹-۱۹۱)

شاهپور شهولی کوه‌شوری^۱ (نویسنده مسئول)، مظاهر نیکخواه^۲، اصغر رضاپوریان^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

طلوع و غروب خورشید از دیرباز نقشی بارز و چشمگیر در تصویرسازیهای شاعرانه داشته‌اند. در جستار فرارو، هدف نگارندگان این است که تصاویر طلوع و غروب را در خمسه امیر خسرو دهلوی بررسی کرده، میزان توفیق شاعر را در ارائه ابعاد و جلوه‌های گوناگون این تصاویر، بویژه تناسب تصاویر با موضوع حکایات، به خوانندگان نشان دهند. روش پژوهش در این جستار، توصیفی-تحلیلی است. نتیجه کلی نشان میدهد؛ امیر خسرو از دیدگاه کمی، در خمسه‌اش ۴۵ تصویر طلوع و ۳۷ تصویر غروب به دست میدهد؛ مثنوی "مطلع الانوار" با ۲ تصویر، کم‌ترین تصاویر و "هشت بهشت" با ۴۰ تصویر، بیشترین تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند. از بعد کیفی، "به‌گزینی واژگان، ترکیبات و عبارات"، "رعایت ایجاز" و "سنخیت یا تناسب تام تصاویر طلوع و غروب با موضوع حکایات" بارزترین خصایص تصاویر طلوع و غروب خمسه امیر خسرو دهلوی است.

کلمات کلیدی: امیر خسرو، خمسه، تصویر، طلوع و غروب، تصاویر غنایی، تصاویر حماسی .

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Shahvali1341@yahoo.com

۲- استاد راهنما، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Mazahernikkhah@gmail.com

۳- استاد مشاور، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Rezaporian@gmail.com

مقدمه

عده‌ای از صاحب‌نظران علوم بلاغت، لفظ "تصویر" را معادل image میدانند: "اصطلاح تصویر یا صورت خیال در برابر image قرار داده شد که به معنی نقش، صورت و تصویر ذهنی است." (فرهنگنامه ادب فارسی، انوشه: ص ۳۶۷). شفیع‌ی کدکنی خواستار برابر نهادن ایماژ با کلمه خیال است: "با توجه به این که ایماژ، هم از نظر لغت و هم از نظر اصطلاح، برابر است با "تصویر" یک شیء، خواه تصویر ذهنی باشد، خواه مادی، شایسته است که آنچه در نقد ادبی و در کتابهای بلاغت فرنگی به نام ایماژ خوانده میشود، با کلمه خیال که در شعر و ادب عربی و فارسی استعمال شده است، برابر نهاده شود." (صورت خیال در شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی: ص ۱۰)

تعاریف اصطلاحی تصویر تقریباً به هم نزدیک هستند، براهنی به نقل از کتاب روانشناسی تخیل، "تصویر" را از زبان ژان پل سارتر چنین تعریف میکند: "تصویر، طریقه خاصی است که شعور انسانی، به وسیله آن، یک شیء را در خود ارائه میدهد." (طلا در مس، براهنی: ص ۱۱۴) فتوحی رود معجنی در این باره معتقد است: "در فرآیند آفریدن تصویر، شیء از طبیعت وارد ذهن و ضمیر شاعر میشود و پس از گذر از منشور جان هنرمند، به رنگ جان هنری" او در می‌آید، آنگاه به یک شیء هنری بدل میگردد." (بلاغت تصویر، فتوحی رود معجنی: ص ۶۹)

در حوزه شعر؛ واژگان، تصویر را میسازند: "در واقع تصویر شعری، مجموعه‌ای از واژگان است و نمیتوان آن را به صورت عینی دید، پس به بیانی تصویر شعری، "انگاره" یا صورت خیال است." (فرهنگنامه ادب فارسی، انوشه: ص ۳۶۷) "جبری" نیز ایماژ را در عام‌ترین و ساده‌ترین صورت خود از زبان دی لوییس^۱ اینگونه تعریف میکند: "تصویری است که به کمک کلمات، ساخته شده است. یک توصیف یا صفت، یک استعاره، یک تشبیه، ممکن است یک ایماژ بیافریند." (جبری، ۱۳۹۱: ص ۲۵)

در خمسه امیر خسرو، واژگان تصویر آفرین از جایگاهی ویژه برخوردارند: "شاعران و نویسندگان بعد از او بارها از او به استادی یاد کرده‌اند مثلاً جامی او را در مرتبه داستانسرایی بعد از نظامی قرار داده و سخن نظامی را به "گوهر" و کلام خسرو را به "زر ده دهبی" تشبیه کرده است." (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۳: ص ۷۸۸)

امیر خسرو، در خلق و ایجاد تصاویر طلوع و غروب خمسه خویش، توفیقی شایان توجه دارد، دو عامل اساسی این موفقیت، یکی بر خورداری او از خوش قریحگی، روان‌طبعی و نازک‌خیالی است و دیگری نظیره‌گویی استادانه‌اش از خمسه نظامی است. "خسرو از نظر شیرینی کلام و پختگی سخن در اکثر این منظومه‌ها خاصه "هشت بهشت" به نظامی

نزدیک شده است. خمسه امیر خسرو - که در حدود هیجده هزار بیت است - دلیل روشن برجودت قریحه، سرعت خیال و روانی طبع شاعر است." (مقدمه دیوان دهلوی، روشن: ۱۴)

ضرورت تحقیق

از یک سو با توجه به نقش و جایگاه بارز خورشید در باورهای مردم باستان و نیز در دین اسلام و از سوی دیگر با توجه به این که ادبیات آئینه ای تمام نما برای بازتاب بینش و دانش مردم هر دوره به نسلهای بعد و بستری مناسب برای حفظ عقاید و دستاوردهای نسلهای گذشته است، انجام چنین پژوهشی ضروری است.

سؤال اصلی

-تصاویر طلوع و غروب در خمسه امیر خسرو دهلوی چه جایگاهی دارند؟
-آیا امیر خسرو در سنخیت و تناسب تصاویر طلوع و غروب خمسه خود با موضوع حکایات موفق بوده است؟

پیشینه تحقیق

در مورد این موضوع تا کنون پژوهشی مستقل انجام نشده است، لیکن چند پژوهش اندک و پراکنده مرتبط با این موضوع دیده شد که به صورت اجمال بدانها اشاره میگردد: آقای احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۷۷) در مقاله "طلوع و غروب در شاهنامه فردوسی" - که در مجله کیهان فرهنگی، چاپ شده است - تصاویر طلوع و غروب را از دیدگاه فردوسی با رویکردی حماسی بررسی کرده است.

آقای رضا حبیبی پور (۱۳۷۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بام و شام در نظم فارسی از آغاز تا قرن هفتم" نمونه‌هایی از تصاویر طلوع و غروب خورشید را در متون نثر فارسی نشان داده است.

آقای مظاهر نیکخواه (۱۳۸۸) در مقاله "تناسب تصاویر طلوع و غروب با موضوع حکایت در آثار نظامی گنجوی" - که در فصلنامه ادبیات فارسی به چاپ رسیده است - به سنخیت و تناسب تصاویر طلوع و غروب خمسه نظامی با موضوع حکایات پرداخته است.

خانمها نجمه نظری و معصومه مظفری (۱۳۸۹) در مقاله "مقایسه تصاویر طلوع و غروب در شاهنامه با خسرو و شیرین" - که در مجله مطالعات زبانی بلاغی به چاپ رسیده است - هدف کلی پژوهش خود را، بررسی تصاویر طلوع و غروب در دو اثر برجسته ادب فارسی، یعنی شاهنامه و خسرو و شیرین میدانند.

آقای احمد امیری خراسانی و خانم حکیمه مجاهدی (۱۳۹۱) در مقاله "خورشید و تصاویر مربوط به آن در خمسه نظامی" - که در نشریه ادب و زبان فارسی به چاپ رسیده است - به نقش تصاویر طلوع و غروب خورشید در تجسم خیالات شاعرانه پرداخته، خورشید و مظاهر آن را در شعر نظامی بررسی کرده اند.

شیوه پژوهش (روش کار)

از نظر روش شناسی، شیوه پژوهش در این جستار توصیفی-تحلیلی و استنباطی با رویکردی مبتنی بر تأویل‌گرایی است در این پژوهش تمامی تصاویر طلوع و غروب در خمسه امیر خسرو دهلوی را استخراج کرده ایم؛ پس از آن آنها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل محتوایی قرار داده، سپس مواضع تصاویر را از نظر درونمایه و تناسب آنها با حکایات مشخص کرده ایم.

یادآوری: در خمسه امیر خسرو دهلوی-که در قالب مثنوی است- ابیات دارای شماره نبوده اند، همچنین در غزلیات حافظ- که شماره غزل و بیت وجود نداشته است- به ناچار در ارجاع دهی، شماره صفحه ذکر شده است.

بحث و بررسی

الف) تناسب تصویر با موضوع حکایات:

در مبحث تصویرآفرینی گویندگان فارسی زبان، بویژه مثنوی‌سرایان، تناسب تصویر با موضوع حکایت، اهمیت شایانی دارد؛ بنابراین شاعری در خلق شاهکار هنری توفیق میابد که میان تصاویر شعری و موضوع حکایات، سنخیت و تناسبی هنرمندانه ایجاد کند. در زمینه تصاویر طلوع و غروب، با نظر داشت توأمانه به هر دو حوزه شعر غنایی و حماسی، بی‌تردید، نظامی، برترین سراینده است؛ به عنوان مثال او در منظومه خسرو و شیرین، در توصیف "مجلس آراستن خسرو در شکارگاه"، این تصویر غنایی از طلوع خورشید را می‌آفریند:

سحرگه چون روان شد مهدخورشید جهان پوشید زیورهای جمشید
برآمد دزدی از مشرق سبک دست عروس صبح را زیور به هم بست
(خسرو شیرین، مجلس آراستن خسرو در شکارگاه)

تعبیر "روان شدن مهد"، زیور جمشید پوشیدن جهان" و "عروس صبح را زیور بستن"، تعبیری غنایی در راستای ایجاد تصویر طلوع است که اوج هنرنمایی نظامی را نشان می‌دهند. پس از نظامی "عاریت‌ناپذیر" که بدین‌سان با تکیه بر دل سروده‌هایش به خویش می‌الد:

عاریت کس نپذیرفتهام آنچه دلم گفت بگو گفتهام

(مخزن الاسرار، در مقام و مرتبت مخزن الاسرار)

امیر خسرو، موفق‌ترین نظیره‌گوی او، هرگاه در حکایات خمسه‌اش، از طلوع و غروب سخن به میان می‌آورد، تصاویر ایجادیش، تناسب و سنخیتی تمام با موضوع حکایات دارند. او در آنجا که موضوع و درونمایه حکایت غنایی است، در آفرینش تصاویر طلوع و غروب از واژگان و ترکیبات دربرگیرنده مضامین عیش، لهو و لعب، و طرب بهره می‌جوید و در حکایات با

موضوع و درونمایهٔ حماسی، در تجلی تصاویر طلوع و غروب، واژگان، ترکیبات و تعبیر با مضامین خشم، خشونت، پرخاش، فریاد، هراس، جوش و خروش را بکار میبرد.

ب) تصاویر غنایی طلوع خورشید:

در "مطلع الانوار"، تنها تصویر غنایی طلوع در "حکایت خلوت دوم" در دو بیت زیر آمده است:

سرخی مشرق ز افق رو نمود همچو می سرخ ز جام کبود
شاهد صبح از رخ لعل و سپید داد حریفان طرب را نوید
(دهلوی: ۶۳)

ترکیبات می سرخ، جام کبود، شاهد صبح، رخ لعل و سپید، و حریفان طرب با همراهی فعل "نوید داد"، همگی تصویر زیبای طلوع خورشید را با توجه به سرور و شادمانی دل شاعر - که نتیجهٔ التذاد معنوی ناشی از خلوت دوم است - متجلی میسازد.

در "مجنون و لیلی" خورشید تنها یک بار در تصویر طلوع، آن هم در ضمن حکایت "غنودن نرگس لیلی از بیماری و مجنون بی‌خواب را در خواب دیدن، میخندد."

چون سبزهٔ این کبود گلشن آراسته شد ز صبح روشن
خورشید به اوج رفت خندان چون نور دل نیازمندان
آن مهدنشین به جهد برخاست بر پشت جمازه محمل آراست
میراند شتر به دشت پویان آن گم شده را به خاک جویان
(همان: ۱۱۲)

خندانی (درخشانی) خورشید اوج‌نشین، بر حال لیلی مهدنشین یارگم‌کرده، مؤثر واقع نمیشود. زیرا از یک سو، امیر خسرو در همین منظومه در هر طلوعی، لیلی را ناخفته با اشک چهره‌شوی، معرفی میکند:

چون سرخ گل فلک برستی ناخفته ز گریه روی شستی
(همان: ۱۲۰)

و از سوی دیگر، یادآور یک اصل استوار و تغییرناپذیر در حوزهٔ عشق‌بازی و دلدادگی است که خواجهٔ شیراز، با تعبیر "عیش بی‌یار مهیا نشود" از آن یاد میکند:

ساقی و مطرب و می‌جمله مهیاست ولی عیش بی‌یار مهیا نشود یار کجاست؟
(حافظ: ۶۰۱)

در منظومهٔ "شیرین و خسرو" امیر خسرو، "عقد کردن خسرو، شکرآصفهانی را" طلوع هنگام میدانند:

عروس صبحدم چون پرده برداشت جهان را جلوهٔ خور در نظر داشت

سپهر اندر نثار جلوه حالی طبق هارا ز گوهر کرد خالی
 دوکار افتاده کهتر با صد امید شدند اندرپی پیوند جاوید
 (دهلوی: ۵۰۳)

واژهٔ عروس در ترکیب "عروس صبحدم" و واژگان نثار، طبق و گوهر به همراهی فعل "پرده برداشت"، همه لوازم ویژهٔ مجلس عقد است که شاعر با آوردن آنها، تصویر جالب و دل‌انگیز طلوع خورشید را ضمن حکایتی طرب‌انگیز و شادی‌بخش، نشان می‌دهد. امیر خسرو، در حکایت "رفتن خسرو پیش فرهاد و مناظرهٔ ایشان" می‌گوید:

چو صبح دیرخسب از خواب خوش جست گرفته ساغری پر شیر در دست
 سپهر از جنبش دوری که انگیخت روان شد ساغر و شیرین فرو ریخت
 شه‌نشه گفت کز بخت دل افروز به جوی شیر خواهم رفت امروز
 (همان: ۴۲۳)

تعبیر "از خواب خوش جستن"، "ساغر پر شیر در دست گرفتن"، "روان شدن ساغر"، "شیرین فرو ریختن ساغر" و "بخت دل افروز" همه تعبیری غنایی است که حکایت از حالت نشاط و طرب دارد و شاعر در چنین حال خوشایندی، تصویر طلوع را در نهایت زیبایی، ترسیم می‌کند.

در حکایت "شکرریزی خسرو و شیرین و فرستادن خسرو انگشتری را به رسم پیمان" چنین سروده است:

چو مه در چادر شب رفت در خواب فرو پیچید گردون نطع مهتاب
 عروس صبح را بیدار شد بخت عروسانه بر آمد بر سر تخت
 صنم فرمود کز گنج چو دریا کنند اسباب مهمانی مهیا
 (همان: ۰۷۳)

کلمات چادر، عروس، تخت، عروسانه، و تعبیر "بیدار شدن بخت" و "مهیا کردن اسباب مهمانی"، همگی ویژهٔ مجلس بزم است که ضمن سنجیت و تناسب تمام با عنوان حکایت، موجب و موجد آفرینش تصویر غنایی طلوع است.

امیر خسرو در منظومهٔ "آیین اسکندری"، ضمن حکایت "عیش و عشرت اسکندر با نوشین لب (کنیفوی چینی)"، اینگونه سروده است:

چو شد رومی صبح رخساره شوی فرو شست خال سیه را ز روی
 عروسانه خورشید چینی خیال نمود از پس چادر شب جمال
 دگر ره مه چین و خورشید روم نشستند با هم چو دو نخل موم
 (همان: ۶۸۴)

تعبیر "رخساره شویی رومی صبح"، خال سیه از روی شستن صبح" و "عروسانه جمال

نمودن خورشید چینی خیال"، همگی تعبیری بزمی است و ضمن تأیید تناسب و سنخیت ابیات با عنوان حکایت، روشنگر تصویر طلوع در حال و هوایی بزمی است.

در منظومه "هشت بهشت" تصاویر غنایی طلوع خورشید در مقایسه با تصاویر غنایی طلوع در چهار مثنوی دیگر خمسه امیر خسرو، بیشتر است، بی شک این بسامد بالای تصاویر غنایی طلوع، متأثر از موضوع و درونمایه "هشت بهشت" است که منظومه‌ای کاملاً بزمی است.

در حکایت "کوثر کشیدن بهرام روز یکشنبه در بهشت سوم و به گنبد زعفرانی شکر خنده طرب نمودن و با آفتاب نیمروز، خانه گرم کردن" میگوید:

چون زر افشان شد آفتاب به دشت دامن کوهسار پر زر گشت
روز یکشنبه آن ستاره روز شد در ایوان زرد بزم افروز
رغبت برج زعفرانی کرد خانه را خلد جاودانی کرد
جامه را نیز کرد خداخند زعفرانی چو آفتاب بلند
(همان: ۵۱۶)

تعبیر "در دیوان زرد بزم افروختن"، "رغبت برج زعفرانی کردن"، "خانه را خلد جاودانی کردن" و "جامه خداخند کردن"، تعبیری کاملاً بزمی است و تصویر طلوع را در چنین فضایی خوشایند و طربانگیز، ترسیم میکند.

در حکایت "گلگشت بهرام روز سه شنبه سوی بهشت پنجم و گل افشاندن در گنبد گلناری و با گلعداز تاتاری گلاب گلرنگ از بلبله نوش کردن"، چنین میسراید:

تا برانداخت ماه شبگیری از رخ صبح پرده قیری
شاه رغبت هنوز باقی داشت مست بود و خمار ساقی داشت
(همان: ۷۴۶)

تعبیر "باقی بودن رغبت"، "مست بودن" و "خمار ساقی داشتن"، تعبیری غنایی و از لوازم مجلس عیش و عشرت است که موجب و موجد تصویر جالب و جذاب طلوع در این فضای نشاط انگیز و شادی آور است.

در حکایت "صندلی نهادن بهرام روز پنجشنبه در بهشت هفتم و در گنبد صندلی، نخل صندل اندام عرب را چون صندل تر به سینه مالیدن و جامه صندل فام کردن" این چنین سروده است:

پنجشنبه که صبح صندل سای صندل آلود چرخ را سر و پای
ساخت در برج صندلی خانه بست پیمان می به پیمان
جلوه‌گر شد بت عراقیزاد بوسه بر دست و پای خسرو داد
شاه بر روی آن بهشتی ذات نوش میکرد سلسبیل حیات
(همان: ۸۶۶)

تعبیر "پیمان می به پیمانہ بستن"، "جلوه‌گری بت عراقی زاد" و "سلسبیل حیات (شراب) نوش کردن"، همه تعبیری غنایی است که فضایی نشاط‌آور و شادابی بخش از مجلس بزم را تداعی میکند و شاعر با دادن صفت "صندل سای" به صبح و "به صندل آلودن چرخ از سوی صبح"، تصویر زیبا و جذاب طلوع را جلوه‌گر میسازد.

ج) تصاویر حماسی طلوع :

امیر خسرو در سه منظومه مطلع‌الانوار، مجنون و لیلی، و شیرین و خسرو، هیچ تصویری حماسی از طلوع خورشید به دست نمیدهد. به یقین، درونمایه حکمی "مطلع الانوار" و درونمایه عاشقانه "مجنون و لیلی" و "شیرین و خسرو"، اجازه خلق چنین تصویری را به شاعر نداده است. در "هشت بهشت" تنها در "حکایت افسانه گفتن نخل صندل اندام عرب" با رگه‌ای از تصویر حماسی طلوع، روبرو میشویم:

صبح چون رخ ز پرده بیرون کرد پرده چرخ را پر از خون کرد
رام بر بست ماه را در برج خود برون شد ز در چو لعل از دُرَج
(همان: ۷۶۶)

تعبیر "پر از خون کردن پرده چرخ" و "بر بستن ماه (دختر وزیر) در برج"، راهنمای خواننده به حماسی بودن تصویر طلوع است.

امیر خسرو در این تصویر که شرحش گذشت و در سه مورد خلق و ایجاد تصویر حماسی طلوع در "آیین اسکندری" که از این پس شرح‌شان خواهد آمد، واژگان، ترکیبات و تعبیر دارای بار معنایی حماسی را بکار میبرد تا بدین‌سان تصاویر برخوردار از روح حماسی را به خواننده یا شنونده اشعارش القا کند. در حکایت "رزم اسکندر با خاقان چین" این چنین سروده است :

چو صبح از افق تیغ بیرون کشید همه دامن چرخ در خون کشید
در افکند شب‌دیز ظلمات نعل بپوشید خورشید خفتان لعل
سکندر جهانگیر کشورگشای به آرایش لشکر آورد رای
(همان: ۱۴۴)

تعبیر "تیغ بیرون کشیدن"، "دامن چرخ در خون کشیدن"، "نعل در افکندن شب‌دیز ظلمات" و "خفتان لعل پوشیدن خورشید"، همه تعبیری ویژه میدان رزم هستند که حماسی بودن تصویر طلوع را نشان میدهند.

در ادامه همین حکایت میگوید :

چو زنگی شب دید روی سیاه در آیینۀ عالم آرای ماه

زد آیینۀ ماه را بر زمین بخندید ناگاه صبح از کمین
روان کرد شه تخت جمشید را به منزل رها کرد خورشید را
به جولانگه آمد صف آراسته به کوشش چو خورشید که خاسته
(همان: ۸۵۴)

تعبیر "بر زمین زدن زنگی شب آیینۀ ماه را" و به ناگاه از کمین خندیدن صبح (خورشید)، در کنار همنوایی با تعبیر "صف آراسته به جولانگه آمدن اسکندر" و "کوشش (جنگ)"، بر حماسی بودن تصویر طلوع دلالت دارند. سنخیت و تناسب تمام گزینش واژگانی شاعر در این دو جایگاه از آیین اسکندری که شرح آن گذشت، بیانگر استادی امیر خسرو در تصویر آفرینی است.

در حکایت "سفر اسکندر به دریای مغرب"، اینگونه سروده است:

چو شد چشمۀ صبح رخشان ز شرق در آن چشمه شد کشتی ماه غرق
بفرمود فرمانده روم و زنگ که در جنبش کشتی آید درنگ
(همان: ۷۴۵)

تعبیر "غرق شدن کشتی ماه در چشمۀ صبح" در کنار همراهی آن با ترکیبیات "فرمانده روم و زنگ" و "جنبش کشتی"، از حماسی بودن تصویر طلوع سخن میگوید.

د) تصاویر غنایی غروب:

امیر خسرو، در دو منظومۀ "مطلع الانوار" و "مجنون و لیلی"، هیچ تصویری غنایی از غروب خورشید به دست نمیدهد. در منظومۀ "شیرین و خسرو" میگوید:

چو آمد در غنودن چشم خورشید به مرقد رفت چون ضحاک و جمشید
شراب و عشرت و نقلی مهیا کنیزی پنج و شش همچون ثریا
(همان: ۳۷۲)

تعبیر "در غنودن آمدن چشم خورشید"، تصویر غنایی غروب آن را در کنار برپایی مجلس بزم و طرب برخوردار از شراب و نقل و عشرت نشان میدهد.

در حکایت "بردن شکر خسرو را به خانۀ خویش به مهمانی" چنین میسراید:

چو گیتی کرد صاف خویش را درد سپهر بوالعجب خنجر فرو برد
به صد خواهشگری شه را پریروی به عشرتگاه خود شد میهمانجوی
شهنشه نیز نگذشت از رضایش به مهمان رفت در مهمانسرایش
(همان: ۴۰۳)

تعبیر "گیتی صاف خود را دُرد کردن" و "خنجر فرو بردن سپهر" همزمان با میهمان شدن خسرو در عشرتگاه شکر اصفهانی، بیانگر تصویر زیبای غنایی غروب است.

در منظومه "آیین اسکندری"، در حکایت "پس از اسارت خاقان چین" چنین میسراید:

همه روز با برگ سازندگی همیکرد مهمان نوازندگی
چو آمد شب تیره مهمان روز برافروخت مه شمع گیتی‌فروز
ملک میزبان وار از جیب پر به دامن مهمان فرو ریخت در
بفرمود فرمانده روم و شام که مهمان کند سوی بستر خرام

(همان: ۰۶۴)

همچنین در حکایت "عیش و عشرت اسکندر با نوشین لب (کنیفوی زن رزم آور اسیر شده چینی)" میگوید:

چو خورشید را چشم درخواب رفت پیاله فتاد و می ناب رفت
به بربطنی زهره پرده ساز شد از پرده ناز بربطنواز
به پرده درون خسرو پرده پوش به خاتون پرده نشین دادنوش

(همان: ۵۸۴)

الفاظ و تعبیر هر دو حکایت به روشنی دلالت بر تصویر زیبای غروب در فضای بزمی و عیش و عشرت آلود دارند.

در منظومه "هشت بهشت" در حکایت "کوثر کشیدن بهرام روز یکشنبه در بهشت سوم و به گنبد زعفرانی شکر خنده طرب نمودن و با آفتاب نیمروز، خانه گرم کردن"، اینگونه سروده است:

باده بر روی سرخ گل میخورد تا فرو رفت از آسمان گل زرد

(همان: ۵۱۶)

از "گل زرد"، خورشید را اراده میکند که رنگ زرد آن، سنخیت تمام با عنوان حکایت بویژه گنبد زعفرانی دارد و با تعبیر "فرو رفتن گل زرد از آسمان" تصویر زیبای غنایی غروب را در فضای بزمی ترسیم میکند.

پیشتر، نظامی "گل زرد" در معنای خورشید را در تصویر طلوع خورشید آورده است:

هزاران نرگس از چرخ جهانگرد فرو شد تا برآمد یک گل زرد
(خسرو و شیرین، اندام شستن شیرین در چشمه آب)

در حکایت "مجلس آراستن بهرام روز دوشنبه در بهشت چهارم به گنبد ریحانی" میگوید:

چون شب تیره گشت گوهر سنج در زمین در شد آفتاب چو گنج
شاه مست و حریف هم سر مست رفته بیرون عنان هر دو ز دست
(همان: ۷۲۶)

از تعبیر "در زمین در شدن آفتاب چو گنج"، در کنار تعبیر "مستی شاه و سرمستی حریف" و "عنان هر دو از دست رفتن"، تصویر زیبای غنایی غروب را در اوج بزمی سرشار از عیش و عشرت نشان می‌دهد.

در حکایت "عشرت بهرام روز چهارشنبه به بهشت ششم در گنبد بنفش" اینگونه می‌سراید:
تا شب آن روز عیش سازی کرد خوشی و مهمان نوازی کرد
شب چو دریای چرخ برزد زنگ چشمه مهر شد به کام نهنگ
(همان: ۲۵۶)

تعبیر "به کام نهنگ شدن چشمه مهر"، تصویر نو و زیبای غنایی غروب خورشید است که در فضای بزمی انتهای یک روز سرشار از عیش و عشرت، متجلی می‌شود.

ه) تصاویر حماسی غروب:

تصاویر حماسی غروب خورشید را تنها در منظومه "آیین اسکندری" می‌بینیم، به یقین در "مطلع الانوار"، درونمایه حکمی آن و در سه منظومه دیگر (مجنون و لیلی، شیرین و خسرو، و هشت بهشت) درونمایه عاشقانه آنها، مانع آفرینش چنین تصویری بوده است. در حکایت "رزم اسکندر و خاقان چین" می‌گوید:

چو مه لشکر آرای شد بر سپهر زمین در میان کرد شمشیر مهر
برآورد شب چتر عباسیان نگون کرد رایات شماسیان
طلایه برون آمد از هر دو سوی بجاسوسی یکدگر گرمپوی
(همان: ۷۳۴)

تعبیر "شمشیر مهر در میان کردن"، تصویر زیبای غروب است که امیر خسرو با استادی در کنار تعبیر "لشکر آرای ماه بر سپهر"، "چتر عباسیان برآوردن شب" و "رایات شماسیان نگون کردن"، - که همه تعبیری رزمی و حماسی است - آن را ترسیم کرده است.

پس از آن در همین حکایت، در تصویر غروبی دیگر چنین سروده است:

سپر چون برآب افکند آفتاب برآورد مه ناچخ خود ز آب
شب تیره در صحن زنگارگون چو هندوی ناچخ زن آمد برون
(همان: ۸۴۴)

تعبیر "ناچرخ خود بر آوردن ماه از آب" و "چو هندوی ناچرخ زن برون آمدن شب"، تعبیری حماسی است که زمینه خلق و ایجاد تعبیر "سپر بر آب افکندن آفتاب" است که شاعر در آن تصویر زیبای غروب را در فضایی حماسی، ترسیم میکند.

سپس در ادامه این حکایت، اینگونه میسراید:

چو قلاب سیم از کیمن زد هلال به خون غرق شد ترک چینی خیال
شهاب از سر نیزه دیو سوز شد آتش فکن در سلیمان روز
(همان: ۹۴۴)

دو تعبیر "از کیمن قلاب سیم زدن هلال" و "آتش از سر نیزه افکندن شهاب"، تعبیری کاملاً حماسی است که شاعر در چنین فضایی، تصویر جالب و جذاب شفق غروبی حماسی را در تعبیر "به خون غرق شد ترک چینی خیال"، نشان میدهد.

بیت زیر از همین حکایت نیز بیانگر اوج استادی امیر خسرو در آفرینش تصویر هنری غروبی حماسی است:

چو شمشیر خورشید شد در نیام برون تاخت ادهم سپهدار شام
(همان: ۵۴۴)

(و) ایجاز تصاویر طلوع و غروب:

یکی از مظاهر زیبایی در تصاویر طلوع و غروب خمسه امیر خسرو، رعایت ایجاز است، از این نظر، کارش چونان کار حکیم توس است که شفיעی کدکنی در مورد شاهکارش، شاهنامه، میگوید: "در طول حوادث این حماسه، بارها خورشید طلوع و غروب میکند و با این که او مجال هرگونه دراز سخنی و اطناب در این زمینه را دارد، از حد نیازمندی مقام هیچ گاه تجاوز نمیکند و اغلب با ترسیم یک خط، ترکیب عمومی شعر را از هنجار پسندیده‌ای که دارد، بیرون نمی‌آورد، هیچ شب و صبحی چه در آغاز و چه در خلال آن از دو بیت تجاوز نمیکند." (صور خیال در شعر فارسی، شفיעی کدکنی: ص ۴۴۱) در تصاویر طلوع و غروب ایجاد از سوی امیر خسرو نیز تصویر، بیشتر در قالب یک بیت و کمتر در دو بیت ارائه میشود و هیچ تصویری در سه بیت عرضه نمیگردد، مانند این تصویر طلوع:

بامدادان که این غزاله نور مشک شب را نهفت در کافور
(دهلوی: ۵۹۵)

یا این تصویر غروب:

چو خورشید برقع به رخساره کرد فلک سرمه در چشم سیاره کرد
کشید آسمان بهرمان کبود حریر معنبر بیوشید زود

(همان: ۲۵۴)

ز) جایگاه های طلوع و غروب خورشید

معمولاً طلوع و غروب خورشید، در محلّ کوه‌ها واقع میشود، نکته قابل توجه در مورد تصاویر طلوع و غروب خمسه امیر خسرو، این است که تنها در چهار جایگاه (دو تصویر طلوع و دو تصویر غروب)، کلمه "کوه" یا "کوهسار" را می‌آورد، در طلوع میگوید:

چو اسکندر صبح بر شد بلند در انداخت بر کنگر مه کمند
شد از رنگ سرخی سرکوهسار چو پیشانی پیل شنگرف دار
(همان: ۷۴۴)

یا در غروب میگوید:

چو پنهان کرد رو خورشیدرخشان درون کوه چون لعل بدخشان
(همان: ۸۰۳)

این پایین بودن بسامد کوه در کنار تصاویر طلوع و غروب امیر خسرو، چندان جای شگفتی ندارد؛ زیرا شمیسا در بحث "اسطوره چیست؟"، میگوید: "خورشید، علاوه بر کوه، در آب هم طلوع و غروب دارد. مخصوصاً در سرزمین‌هایی که در آنها کوه نبوده است." (نقد ادبی، شمیسا: ۲۳۳)

نکته دیگر شایان گفتن این است که خورشید گاه از "چشمه روز" طلوع میکند:

برون آمد چو صبح عالم افروز به سان جوی شیر از چشمه روز
(دهلوی: ۰۱۳)

و گاه خود خورشید، چشمه‌ای است که با طلوعش، ماه کشتی سان در آن چشمه غروب میکند:

چو شد چشمه صبحرخشان زشرق در آن چشمه شد کشتی ماه غرق
(همان: ۷۴۵)

و گاه با طلوع ماه، خورشید در زمین غروب میکند:

چو مه لشکرآرای شد بر سپهر زمین در میان کرد شمشیر مهر
(همان: ۷۳۴)

نیامدن کلمه "کوه" در کنار تنها سه تصویر ایجاد طلوع و غروب در منظومه "مجنون و لیلی"، به سبب بیابانی بودن سرزمین عربستان (منطقه جغرافیایی وقوع حوادث داستان)، مهر تاییدی بر نظریه شمیسا است.

ح) نوع توصیفات تصاویر طلوع و غروب:

شاعران توصیف‌گرا، گاه در توصیف وارد جزئیات نمیشوند و به کلی‌گویی بسنده میکنند،

زرتین کوب میگوید: "مواردی هم هست که وصف، فقط کلی است و شاعر از توصیفی که میکنند جز القاء و تلقین یک حالت عام و کلی در غیر نظری ندارد از آنکه میخواهد از آنچه که خود دریافته است به غیر، فقط گوشه‌ای نشان دهد - گوشه‌ای مبهم و مرموز - اصرار و افراط در همین طرز فکر است که شعر قدما را از آنچه امروز رنگ محلی میخوانند، تقریباً خالی کرده است؛ چنان که شاعر رازی و شاعر غزنوی، طلوع و غروب آفتاب را تقریباً یک‌گونه وصف کرده‌اند." (شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، زرتین کوب: ص ۱۴۴-۱۴۵).

این گرایش به توصیف کلی را در تصاویر طلوع و غروب امیر خسرو در خمسه‌اش نیز میبینیم؛ مثل این تصویر طلوع:

هم از اول بامداد آفتاب به فرخنده طالع در آمد ز خواب

(دهلوی: ۰۸۴)

یا این تصویر غروب:

در پر زاغ چون نهان شد مهر پر طاووس باز کرد سپهر

(همان: ۷۵۶)

ط) تحلیل شمارگان تصاویر طلوع و غروب

از دیدگاه کمی، آنچه در مورد تصاویر طلوع و غروب، شایان گفتن است این است که با توجه بشمارگان ابیات خمسه امیر خسرو دهلوی، (۱۷۸۸۸ بیت)، بسامد یا شمارگان تصاویر طلوع و غروب، چشمگیر نیست؛ از آنجا که امیر خسرو را موفقترین نظیره گوی نظامی میدانند، انتظار میرفت در این زمینه همچون نظامی بسامد بیشتری از تصاویر خورشید را در شعرش بیاورد اما در مجموع، ۸۲ تصویر (۴۵ تصویر طلوع و ۳۷ تصویر غروب)، ایجاد کرده است در حالی که بسامد تصاویر طلوع و غروب نظامی در ۲۹۱۵۹ بیت خمسه اش به تناسب تعداد ابیات، بسیار بیشتر است: "در آثار نظامی [در خمسه او] تعداد ۲۲۲ تصویر طلوع و ۱۲۶ تصویر غروب بکار رفته است." (نیکخواه، ۱۳۸۸: ص ۵۷) پژوهشگرانی دیگر بسامد تصاویر مربوط به خورشید را در خمسه نظامی بسیار بیشتر میدانند: "در کل خمسه نظامی، بیش از ۵۶۰ بیت به خورشید و تصاویر مربوط به آن اختصاص دارد که اول، شرفنامه و پس از آن خسرو و شیرین، بیشترین ابیات را در بر دارند." (امیری خراسانی و مجاهدی، ۱۳۹۱: ص ۱۸)

در ادامه بسامد تصاویر طلوع و غروب کاربردی هر منظومه از خمسه امیر خسرو دهلوی به تفکیک به شرح جدول زیر آمده است و درصد تصاویر طلوع و غروب در مجموع و در هر منظومه نیز مشخص گردیده است:

نام منظومه	بسامد تصاویر طلوع	بسامد تصاویر رُوب	جمع تصاویر	تصاویر (با تقریب) درصد از کل	طلوع (با تقریب) درصد از تصاویر	غروب (با تقریب) درصد از تصاویر
مطلع الانوار	۱	۱	۲	۴/۲٪	۲٪	۷/۲٪
مجنون و لیلی	۲	۱	۳	۷/۳٪	۵/۴٪	۷/۲٪
شیرین و خسرو	۱۱	۵	۱۶	۵/۱۹٪	۵/۲۴٪	۵/۱۳٪
آیین اسکندری	۹	۱۲	۲۱	۶/۲۵٪	۲۰٪	۴/۳۲٪
هشت بهشت	۲۲	۱۸	۴۰	۸/۴۸٪	۴۹٪	۷/۴۸٪
جمع	۴۵	۳۷	۸۲	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
درصد از کل تصاویر	۵۵	۴۵	-	-	-	-

در خمسه امیر خسرو، بسامد طلوع، بر غروب برتری دارد، بدین معنا که در برابر ۴۵ تصویر طلوع (۵۵٪ تصاویر)، ۳۷ تصویر غروب (۴۵٪ تصاویر) را میبینیم. در مطلع الانوار تصاویر طلوع و غروب (هر کدام ۱ تصویر)، با هم برابرند. در آیین اسکندری، تصویر غروب، ۱۲ بار (تقریباً ۶۰٪ تصاویر) بر ۹ تصویر طلوع (تقریباً ۴۰٪ تصاویر) پیشی گرفته است. در سه منظومه عاشقانه (مجنون و لیلی، شیرین و خسرو، و هشت بهشت)، در برابر ۳۵ تصویر طلوع، ۲۴ تصویر غروب آمده است به عبارت دیگر در این سه منظومه، نسبت تصاویر طلوع و غروب، ۳ به ۲ است، یعنی طلوع، ۶۰٪ تصاویر و غروب، ۴۰٪ تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند. نتیجه کلی حاصل از این بسامدگیری، مشخص میکند که طبع امیر خسرو گرچه در تنها منظومه با درونمایه حماسی (آیین اسکندری) با تصویر غروب سازگارتر است، اما در این سه مثنوی عاشقانه‌اش، خوشی و طرب مجالس بزمی را در طلوع‌گاهان خوشایندتر و دلپذیرتر میداند و این موضوعی است که مختص شاعران یا مردم ساکن در محدوده جغرافیایی مشخص نیست، بلکه ذائقه عموم مردم جهان، از ظلمت و تاریکی اندوه‌آفرین، گریزان و با نور و روشنایی طراوت افزای طرب‌بخش، ذاتاً مأنوس است. ارنست اپلی^۱ در این موضوع میگوید: "خورشید بزرگترین و درخشانترین سمبل انرژی است. وقتی خورشید در خواب ظاهر میشود باید در انتظار نتایج مثبت، نیرومند و روشن

1. Ernest Appeli

بود. ... خورشید مترادف حیات، آفرینش و باروری است برعکس غروب که معنایی منفی دارد و نشانه پایان یک دوران آگاهی و روشن‌بینی است." (رؤیا و تعبیر رؤیا، اپلی:ص ۲۹۸-۲۹۹)

ی) مقایسه اجمالی تصاویر طلوع و غروب خمسه نظامی با خمسه امیر خسرو دهلوی

صاحب‌نظران امیر خسرو را بهترین و موقترترین مقلد خمسه نظامی میدانند از این رو نگاهی اجمالی به مقایسه تصاویر این دو شاعر خواهیم داشت: "نظامی به عنوان "شکارچی لحظه‌ها" و یکی از تصویر آفرینان بزرگ ادبیات فارسی در ایجاد تصاویر و تناسب آنها با حکایات خود در خمسه، دقت نظر خاصی داشته است و از تمام باورهای کهن یک ملت برای ایجاد این تصاویر استفاده کرده است و چنانچه این تصاویر در کنار موضوع حکایات آورده شده است بیگمان همگان، خواص و عوام از زیبایی شعر نظامی لذت بیشتری خواهند برد. در این خصوص به این حقیقت میتوان دست یافت که نظامی با تفکر و اندیشه دقیق و باریک بینی علاقه خاصی به موضوعات متنفاوت اطراف خود نگریسته و با ایجاد تصاویر بکر، برگیرایی شعر خود افزوده است بگونه ای که اگر سالهای سال از قدمت شعر وی بگذرد شعر او دچار کهنگی نخواهد شد." (نیکخواه، ۱۳۸۸:ص ۱۳)

"امیر خسرو دهلوی به سبب آشنایی با زبان فارسی و ترکی از الفاظ و معانی شاعران متصوف ایرانی سود می‌جست. خمسه‌اش از خمسه‌های تمام مقلدین نظامی نسبتاً بهتر و برتر است." (پارسی‌گویان هند و سند، سدارنگانی، هرومل:ص ۱۲۵)

امیرخسرو، نظامی را استاد خود و خود را فرزند نظامی میدانند:

"بدین ابجد که طفلان را کند شاد مثالی بستم از تعلیم استاد
گشاد او پنج گنج از گنجه خویش بدان پنج آزمایش پنجه خویش
که تا گوید مرا عقل گرامی زهی شایسته شاگرد نظامی"
(دهلوی: ۴۰۴)

نظامی در ایجاد تصاویر طلوع و غروب مانند سایر تصاویر ایجاد می‌اش موفق است: "وی با قدرت و نبوغ شاعری خود و با استفاده از صور خیال، تصاویر زیبا و ماندگاری را از خورشید خلق کرده است؛ تشبیهاتی زیبا و دل‌انگیز که خاص خود اوست و استعاراتی جالب که در آن مهارت دارد، برخاسته از نیروی خیال پردازی قوی و نبوغ شاعری اش است. زیباترین خیال پردازیهای شاعر، در توصیف مناظر طلوع و غروب خورشید دیده میشود که میتوان آنها را به دو دسته تصاویر حماسی و تصاویر غنایی تقسیم کرد." (امیری خراسانی و مجاهدی، ۱۳۹۱: ص ۱۹)

در اینجا به وجوه تفاوتها و شباهتهای تصاویر طلوع و غروب در خمسه نظامی و خمسه امیرخسرو اشاره خواهیم کرد: نظامی استاد آفرینشگر استعاره است از این رو رنگ استعاره در تصاویر طلوع و غروبش بسیار درخشان و برجسته است در حالی که در تصاویر طلوعیه و غروبیه دهلوی ایهام‌گرا، رنگ ایهام از استعاره بیشتر است. "نظامی در تصاویر خود بیشتر از عناصر اشرافی استفاده کرده است درحالی که در تصاویر خمسه دهلوی عناصر صوفیانه

بیشتر دیده میشود عناصری که در بیشتر مثنویهای او نقش زینتی دارند." (نظری و مظفری، ۱۳۸۹: ص ۱۴۴)

تفاوت سبکی میان خمسه دو شاعر نیز موجب تفاوت در تصاویر گردیده است. تفاوت سبک این دو اثر (سبک آذربایجانی خمسه نظامی و سبک بینابین عراقی و هندی خمسه دهلوی) موجب پیچیدگی و گاه اطناب تصاویر در خمسه نظامی گردیده است در حالی که تصاویر خمسه دهلوی از این نگاه در مجموع ساده ترند.

از نظر وجوه اشتراک، "هر دو اثر برونگرا هستند و تصاویر معمولاً حسی و ملموس است، از این رو در هر دو از رنگها و عناصر طبیعت به شکل گسترده استفاده شده است تصاویر طلوع و غروب در هر دو اثر بیانگر ابتکار، نگاه نو و هنرمندی کم نظیر هر دو شاعر است." (یدی و وفایی، ۱۳۹۲: ص ۳۷)

نتیجه

هنر تصویرگری امیر خسرو دهلوی در خلق و ایجاد تصاویر هنری طلوع و غروب خورشید از دو دیدگاه کمی و کیفی شایان توجه است: از دیدگاه کمی او در خمسه مشهور خویش، ۸۲ تصویر (۴۵ تصویر طلوع و ۳۷ تصویر غروب) به دست میدهد به عبارت دیگر تصاویر طلوعیه او با ۵۵٪ کل تصاویر بر تصاویر غروبیه با ۴۵٪ کل تصاویر، پیشی جسته‌اند. ضمن این که نتیجه کلی نشان میدهد که طبع امیر خسرو بویژه در عاشقانه سروده‌ها با تصاویر طلوع سازگارتر است، نتایج دیگری نیز از نظرگاه کمی به شرح زیر، حاصل گردیده است:

۱. منظومه "مطلع الانوار" با ۲ تصویر از مجموع تصاویر طلوع و غروب (۴/۲٪ کل تصاویر)، کمترین تصاویر و "هشت بهشت" با ۴۰ تصویر (۴۸/۸٪ کل تصاویر)، بیشترین تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. "مطلع الانوار" با ۱ تصویر از مجموعه تصاویر طلوع (۲٪ تصاویر طلوع)، کمترین تصاویر طلوع و هشت بهشت با ۲۲ تصویر (۴۹٪ تصاویر طلوع)، بیشترین تصاویر طلوع را دارند.

۳. دو منظومه "مطلع الانوار" و "مجنون و لیلی" هر کدام با ۱ تصویر از تصاویر غروب (۲/۷٪ تصاویر غروب)، کمترین تصاویر غروب و "هشت بهشت" با ۱۸ تصویر (۴۸/۷٪ تصاویر غروب)، بیشترین تصاویر غروب را به خود اختصاص داده‌اند.

از دیدگاه کیفی نیز هنر تصویرگری امیر خسرو از جهات زیر حائز اهمیت فراوان است:

۱. واژگان، ترکیبات و تعبیر تصویرآفرین در خمسه‌اش از جایگاهی ممتاز و ویژه برخوردارند، او هنگام خلق و ایجاد تصاویر، در این سه به به گزینی میپردازد و بهترین واژه، ترکیب و یا تعبیر را بکار میبرد.

۲. تصاویر هنری طلوع و غروبش سنخیت و تناسب تام با موضوع حکایات دارد؛ بدین معنا که آنجا که موضوع و درونمایه حکایت غنایی است، از واژگان، ترکیبات و تعابیری بهره میبرد که در برگزیده مضامین غنایی است و در آنجا که درونمایه یا موضوع حکایت، حماسی است، در تجلی تصاویر طلوع و غروب، واژگان، ترکیبات و تعابیر متضمن بار معنایی حماسی را بکار میگیرد.

۳. از بارزترین خصایص تصاویر طلوع و غروب امیر خسرو، خصیصه "ایجاز" است، در توصیف طلوع و غروب، بیشتر یک بیت را میبینیم و گاه تصویر در دو بیت مطرح میشود و هیچ تصویری در سه بیت عرضه نمیگردد.

۴. امیر خسرو تنها در ۴ جایگاه (۲ تصویر طلوع و ۲ تصویر غروب)، کلمه کوه یا کوهسار را می‌آورد.

فهرست منابع

الف- کتابها

۱. بلاغت تصویر. فتوحی رود معجنی، محمود. (۱۳۸۶). تهران: سخن.
۲. پارسی‌گویان هند و سند. سدارنگانی و هرامل. (۱۳۵۴). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). ج ۳. بخش ۲. تهران: فردوس. چ ۷.
۴. خسرو و شیرین. نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۱). با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: برگ نگار.
۵. خمسه. امیر خسرو دهلوی، خسروبن محمود. (۱۳۶۲). با مقدمه و تصحیح امیر احمد اشرفی. تهران: شقایق.
۶. دیوان. امیر خسرو دهلوی، خسروبن محمود. (۱۳۸۰). به تصحیح اقبال صلاح‌الدین. با مقدمه و اشراف محمد روشن. تهران: نگاه.
۷. دیوان. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۴). تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی. تهران: اساطیر. چ ۵.
۸. رؤیا و تعبیر رؤیا. اپلی، ارنست. (۱۳۷۶). ترجمه دل‌آرا قهرمان. تهران: میترا.
۹. شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۱). تهران: علمی.
۱۰. صور خیال در شعر فارسی. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). ج ۱. تهران: آگاه. چ ۶.
۱۱. طلا در مس (در شعر و شاعری). براهنی، رضا. (۱۳۷۱). ج ۱. تهران: مرغ آمین.
۱۲. فرهنگنامه ادب فارسی. انوشه، حسن. (۱۳۷۶). ج ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۳. مخزن الاسرار. نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۵). با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: افکار.

۱۴. نقد ادبی. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). تهران: فردوس.

ب- مقالات:

۱. امیری خراسانی، احمد و مجاهدی، حکیمه، (۱۳۹۱)، "خورشید و تصاویر مربوط به آن در خمسه نظامی"، زبان و ادب فارسی. دانشکده ادبیات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، سال ۱۵، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۹۱، ۱-۲۰.
۲. جبری، سوسن. (۱۳۹۱). «تصویرگری بی صورت خیال در شعر سعدی». بوستان ادب، دانشگاه شیراز، سال ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، تابستان. ۲۳-۴۸.
۳. نظری، نجمه و مظفری، معصومه، (۱۳۸۹)، "مقایسه تصاویر طلوع و غروب در شاهنامه با خسرو و شیرین"، مطالعات زبانی بلاغی. دانشگاه سمنان، سال ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۸۹، ۱۲۹-۱۴۵.
۴. نیکخواه، مظاهر، (۱۳۸۸)، "تناسب تصاویر طلوع و غروب با موضوع حکایت در آثار نظامی گنجوی"، فصلنامه ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، سال ۵، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۸۸، ۵۷-۷۰.
۵. یدی، نرگس و وفايي، عباسعلي، (۱۳۹۲)، "ریخت شناسی و عناصر زینتی عرفانی اشعار امیر خسرو دهلوی"، زیبا شناسی ادبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، سال ۳، دوره ۵، شماره ۱۸، زمستان ۹۲، ۲۳-۳۷.
۶. یلمه‌ها، احمدرضا، (۱۳۷۷)، "طلوع و غروب در شاهنامه فردوسی"، کیهان فرهنگی. مؤسسه کیهان، شماره ۱۴۸، ۲۸ - ۳۰.